



www.irerp.com



ارزش تجاری سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان (ERP)



از زمانی که سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان مورد توجه قرار گرفته‌اند، نرخ بازگشت سرمایه پیاده‌سازی این سیستم‌ها برای بسیاری از سازمان‌ها رضایت‌بخش نبوده است. پیاده‌سازی این سیستم‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری بسیار زیادی در تمام ساختار و سطوح سازمان هستند. در حالی که علاوه بر شکست‌هایی که ممکن است سازمان‌ها در مرحله پیاده‌سازی با آنها روبرو شوند، مزایا و منافع این سیستم‌ها بصورت به سختی قابل درک می‌باشد. به عبارت دیگر در این سیستم‌ها مزایای غیرمشهود بسیاری وجود دارد که به سادگی نمی‌توان آنها را درک نموده و یا مورد اندازه‌گیری قرار داد. یکی از مواردی که در همایش «تجربیات پیاده‌سازی سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان» مورد بررسی قرار می‌گیرد، راهکارهایی است تا بتوان با بهره‌گیری از آنها ارزش تجاری سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان را بیشینه نمود. در این همایش که در ۲۱ آبان ماه در دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار می‌گردد، عوامل موثر بر ارتقاء ارزش تجاری سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان با توجه به شرایط و محیط داخلی کسب و کار بیان می‌شود. ارزش تجاری، مجموع منافع ملموس و غیرملموس ناشی از پیاده‌سازی و استقرار سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان است. افزایش ارزش تجاری در سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان در گرو عواملی است که در اینجا برخی از این موارد به اجمال بیان می‌شوند.

انتخاب تامین‌کننده مناسب سیستم ERP

فرآیند ارزیابی یک تامین‌کننده سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمان، تنها شامل مشاهده ابعاد فنی راه‌حل پیشنهاد شده نیست. بلکه ارزیابی خبرگی، تجربه و بررسی سوابق پیاده‌سازی تیم نیز می‌بایست در این فرآیند مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، تعامل و همکاری افراد سازمان با تیم پیاده‌سازی نیز بسیار حائز اهمیت است. تامین‌کننده‌ای که انتخاب می‌شود، می‌بایست در زمینه تبدیل داده‌ها، ایجاد واسط‌های کاربری مناسب سازمان، سفارشی‌سازی سیستم با توجه به نیازهای سازمان و نگهداری سیستم، تجارب و تخصص کافی داشته باشد. علاوه بر این تامین‌کننده باید بتواند خدمات پشتیبانی بدون وقفه‌ای را به سازمان ارائه نموده و در اسرع وقت در دسترس سازمان باشد. تامین‌کننده همچنین باید در حوزه کسب و کار سازمان دارای راه‌حل مناسب و تجربه کافی بوده و به فرآیندهای اصلی کسب و کار سازمان تسلط داشته باشد.

بهینه‌سازی فرآیندهای کسب و کار

سازمان‌ها می‌بایست درک نمایند که پیاده‌سازی سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان، یک پیاده‌سازی فنی نرم‌افزاری نیست، بلکه بازمهندسی فرآیندها و طراحی دوباره سازمان است. به منظور کسب ارزش واقعی سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان، پیاده‌سازی این سیستم می‌بایست با بهینه‌سازی و بهبود فرآیندهای سازمانی همراه گردد. یکپارچه‌سازی فرآیندها، فناوری و منابع انسانی در قالب ایجاد بهره‌وری می‌تواند ارزش تجاری سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان را بیشینه نماید.

بهینه‌سازی فرآیندهای کسب و کار، شامل طراحی مجدد فرآیندها برای دستیابی به اثربخشی است. بهینه‌سازی فرآیندها، به معنای درک وضعیت موجود فرآیندها، ارزیابی آنها برای یافتن فعالیت‌های بدون ارزش افزوده، بررسی پتانسیل استانداردسازی فرآیندهای مشابه در کل سازمان، مشخص نمودن نقاط یکپارچه‌سازی و تشخیص چگونگی ترکیب اجزای سیستم برای دستیابی به کارکرد مورد نیاز است.



پیاده‌سازی سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان با این رویکرد، حداکثر نمودن نرخ بازگشت سرمایه (ROI) را به سازمان‌ها نوید می‌دهد. در واقع این روش پیاده‌سازی سیستم، به سازمان‌ها کمک می‌کند که یک رابطه هم‌افزایی میان فناوری و فرآیند ایجاد نمایند.

بهینه‌سازی فناوری کسب و کار (BTO)^۱

بهینه‌سازی فناوری کسب و کار، یک مسئله اولیه ضروری برای هم‌راستایی فناوری با عملکرد کسب و کار می‌باشد. در قالب این موضوع توسعه فناوری اطلاعات در سازمان به نحوی صورت می‌گیرد که در راستای استراتژی‌های کسب و کار باشد. راه‌حل بهینه‌سازی فناوری کسب و کار، دو جزء اصلی حاکمیت فناوری اطلاعات و مدیریت برنامه کاربردی را شامل می‌شود. حاکمیت فناوری اطلاعات یک چارچوب جهت اطمینان از انطباق فعالیت‌های فناوری اطلاعات با استراتژی‌های کسب و کار سازمان می‌باشد. مدیریت برنامه کاربردی به فناوری اطلاعات، توانایی مدیریت و نظارت پیوسته عملکرد برنامه‌های کاربردی سازمان را می‌دهد. یکپارچگی، اتوماسیون و یکنواختی برنامه‌های کاربردی و فرآیندها کلید موفقیت مدیریت برنامه کاربردی می‌باشند. در واقع می‌توان رویکرد ایده‌آل بهینه‌سازی فناوری کسب و کار را اینگونه تعریف نمود:

§ کلیه فعالیت‌های فناوری اطلاعات را با چارچوب کسب و کار هماهنگ سازد.

§ بر بهینه‌سازی فناوری سازمان براساس تغییرات مورد نیاز در فرآیندهای سازمان تمرکز کند.

§ از شاخص‌های استاندارد اندازه‌گیری و ارزیابی کیفیت فناوری اطلاعات استفاده کند.

به منظور حداکثر کردن ارزش تجاری سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان باید فناوری اطلاعات به عنوان اصلی‌ترین بخش فناوری کسب و کار، بهینه شده و در اختیار استراتژی‌های اصلی کسب و کار قرار گیرد. سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمان نیز بخشی از فناوری سازمانی است که بهینه کردن آن به حداکثر کردن ارزش تجاری سیستم می‌انجامد.

اندازه‌گیری هزینه کلی مالکیت (TCO)

هزینه کلی مالکیت شامل کلیه هزینه‌های مرتبط با سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمان در کل چرخه عمر سیستم می‌شود. تحلیل هزینه کلی مالکیت می‌تواند ابزار مناسبی برای بودجه‌ریزی و یا انتخاب یک گزینه‌های مختلف باشد. این روش، یک ابزار استاندارد برای کاهش ریسک به خصوص برای زمان محدود بودن بودجه می‌باشد. به منظور امکان‌سنجی اقتصادی خرید یک سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمان می‌بایست هزینه کلی مالکیت با کلیه مزایایی حاصل از سیستم مقایسه می‌گردد. هزینه کلی مالکیت هزینه‌های مستقیم مانند مبلغ خرید امتیاز نرم‌افزار، هزینه سخت‌افزار، هزینه نگهداری، و هزینه کارکنان داخلی و هزینه‌های غیرمستقیم مانند بیکاری سیستم، اشکالات غیرمترقبه و کاهش کارکرد کاربران تقسیم را در بر می‌گیرد.

سازمان‌ها می‌بایست درک نمایند که خرید یک بسته نرم‌افزاری تنها بخشی از راه‌حل کلی است و برای اطمینان از دستیابی به حداکثر ارزش تجاری یک سیستم و مدیریت هزینه کلی مالکیت آن، باید از ترکیب بهینه‌سازی

^۱ Business Technology Optimization (BTO)



فرآیندهای کسب و کار و بهینه‌سازی فناوری کسب و کار استفاده نماید. در واقع این رویکرد به سازمان‌ها در کاهش هزینه کلی مالکیت و افزایش نرخ بازگشت سرمایه در یک بازه زمانی کوتاه کمک می‌کند.

تهران، خیابان فرجام شرقی، روبروی خیابان سراج،

پلاک ۳۷۵، واحد ۱۶، شرکت پردازش سیستم‌های مجازی

info@irerp.com

www.irerp.com

